

مکتب و شیوه زندگی امامان معصوم(ع)، شیوه اسلام ناب است که به صورت عملی در زندگی درخشانشان دیده می شود.

در قسمتی از دعا‌های هر روزه ماه شعبان (هنگام ظهر) که از امام سجاد(ع) نقل شده است، امامان(ع) به کشتی های روان در میان امواج بی امان دریا، تشبیه شده اند که صفات آن کشتی ها چنین است:

يَأْمَنُ مِنَ رَكْبِهَا، وَيَغْرُقُ مِنَ تَرْكِهَا، الْمُتَقَدِّمَ لَهُمْ مَارِقٌ، وَ الْمُتَأَخِّرَ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَ اللَّازِمَ لَهُمْ لَاحِقٌ؛

کسی که سوار آن کشتی ها شد، نجات می یابد؛ و کسی که آن را ترک نمود، غرق می گردد؛ آن که از آن ها پیشی گرفت، از مرز دین خارج شده است؛ و آن که از آن ها عقب ماند، نابود شده است؛ و آن که دوش به دوششان حرکت کرد و به آنان پیوست، همراهشان خواهد بود.

بی تردید، پیروی صحیح از امامان(ع) قبل از معرفت و شناخت شیوه زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی آنان ممکن نیست. روح پیروی، معرفت و شناخت آنان است.

رسول اکرم(ص) فرمود:

انّ لكلّ شيء دعامة و دعامة هذا الدّين الفقه و لفقيه واحد أشدّ على الشّيطان من ألف عابد؛<sup>1</sup>

هرچیزی زیربنا و اساسی دارد؛ زیربنا و اساس دین اسلام، شناخت است. نقش مقاومت یک فرد دارای شناخت در برابر شیطان (و الگوهای فساد) از نقش هزار عابد بیشتر است.

نیز فرمود:

من عمل على غير علم كان ما يفسد أكثر ممّا يصلح؛<sup>2</sup>

کسی که بدون شناخت، عمل و حرکت کند، بیشتر از آن که اصلاح کند، به فساد می کشاند.

با کمال تأسف، پیروی بسیاری از شیعیان از امامان، کورکورانه و قشری است. آنان با این که حسن نیت دارند، بر اثر عدم شناخت، گاهی به نام پیروی از امامان، درست در مقابل آرمان آنان حرکت می کنند و نمی دانند که نمی دانند؛ در نتیجه، تا ابدالدهر در «جهل مرکب» خواهند ماند. برای آشنایی با آن بزرگواران نباید تنها به گزارش سرگذشت امامان و تاریخ زندگی آنان، بدون «تجزیه و تحلیل» اکتفا کرد؛ بلکه باید با تجزیه و تحلیل صحیح، فرهنگ ناب اسلام را از زوایای زندگی پربار امامان استخراج نمود. آنان معادن حکمت و بینش اسلامی هستند و گنجینه های عالی معرفت بشری می باشند. اگر خواسته باشیم از معدنی استفاده کنیم، باید چهار مرحله را طی کنیم:

1. کشف معدن (شناخت)؛

2. استخراج آن از زیر پوشش ها؛

3. یدک سازی از مواد کشف شده (فردسازی)؛

4. ترکیب وسایل یدکی (جامعه سازی).

ما نخست باید شیوه زندگی امامان را بشناسیم، بعد آن را از مرحله ذهنیت به عینیت برسانیم (فردسازی) و سپس آن گنج های سعادت را ترکیب کنیم و مجموع آنان را سرمشق زندگی خود قرار دهیم (جامعه سازی). و چنین چیزی بدون «تجزیه و تحلیل» زندگی امامان میسر نیست. به همین منظور و به آن سبب که در روایات مختلف، پیدایش مأمونان منتظر، مقدمه ظهور امام(ع) ذکر شده است، از این شماره به معرفی آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه(ع) به خوانندگان اقدام کرده ایم.

**بخش هایی از سیره امامان معصوم(ع)**

بیشتر سیره نویسان و وقایع نگاران تنها به نقل حوادث و تاریخ اکتفا کرده اند. و کمتر به تجزیه و تحلیل پرداخته اند و از کنار مسائل بسیار مهم زندگی امامان(ع) به سادگی و با اغماض گذشته اند. تاریخ نویسان درباری، تعمد داشته اند سطحی عبور کنند؛ زیرا تجزیه و تحلیل وقایع پویا و حرکت زای امامان، برای اربابان تاریخ نگاران مزدور خطرناک بود. اینان حتی به ذکر امور پست پرداختند و در وصف میگزاری فلان سلطان و خان، هر چه توانستند قلم فرسایی کردند، ولی شیوه زندگی امامان را کتمان و سانسور کردند و ظاهری از آن را بازگو نمودند، و این جنایتی غیرقابل بخشش است، که به نظر نگارنده، مظلومیت امامان بدین جهت، بسیار بیشتر از مظلومیت آنان به سبب مسموم و کشته شدن است.

بنابراین، اگر بخواهیم امامان را بشناسیم و به طور صحیح از آنان پیروی کنیم، باید با خط سیر و مشی راستین آنان در ابعاد گوناگون زندگی آشنا شویم و همان را الگوی رفتار خود سازیم.

با این که شناخت و فهمیدن شیوه زندگی امامان معصوم(ع) از ضروریات است، ولی با کمال تأسف بخش های حساس و سازنده زندگی پر بار و درخشان آنان، کمتر مطرح شده است. از این رو، اطلاعات ما از زوایای زندگی آن بزرگ مردان الهی، بسیار ضعیف و اندک است. بر این اساس، بحث و بررسی در این باره، نو و جالب به نظر می رسد.

از این رو، شایسته است به عنوان مقدمه، مطالبی مطرح گردد تا با بصیرت بیشتر، این بحث بسیار جالب و پرفایده دنبال شود. لازم می دانم امور زیر را خاطرنشان کنم:

1. لزوم آشنایی با زندگی چهارده معصوم(ع): بر هر شیعه، لازم است آشنایی با زندگی چهارده معصوم را سرلوحه برنامه زندگی اش قرار دهد، زیرا پاک ترین و سالم ترین و پربرترین زندگی ها، زندگی چهارده معصوم است و اگر در تمام جهان و زوایای تاریخ پیشینیان و معاصران، به کند و کاو پردازیم، زندگی ای سالم تر و سازنده تر و بالنده تر از زندگی جذاب و روح بخش چهارده معصوم نخواهیم یافت.

به اعتقاد شیعه، آن که امام علی(ع) را گم کند، پیامبر اسلام و مکتب ناب او را نخواهد شناخت. پیامبر را وقتی می توان شناخت که امام علی(ع) را بشناسیم، زیرا آن امام، باب شهر علم نبوت است. کسی که می خواهد وارد شهر شود، باید از در وارد شود.

امامان(ع) اوصیای دوازده گانه پیامبر اسلام و آئینه تمام نمای سیمای معنوی پیامبر می باشند. مطابق حدیث ثقلین، آنان کنار قرآن، دو یادگار ارزشمند و گرانبهای پیامبر هستند. پس آشنایی با شیوه زندگی و خط سیرشان، آشنایی با روش و مسیر زندگی پیامبر است.

وجود مقدس فاطمه زهرا(س) از این مجموعه نور جدا نیست. او پاره تن پیامبر و مادر امامان است و در همه ابعاد زندگی، با آنان هم سو است.

2. زندگی پوچ و بیهوده: براساس مبانی شیعه، اگر شیوه زندگی در جهت و راستای شیوه زندگی امامان نباشد، چنین زندگی پوچ و بیهوده است. نه خداوند آن را قبول دارد و نه باعث نجات و رستگاری خواهد بود. در این باره به روایات زیر توجه کنید:

امام صادق(ع) فرمود:

لادین لمن دان بولایة امام جائر لیس من الله.3

آن که امامت رهبر ستمگر را که از طرف خدا نیست، دین خود قرار دهد، دین ندارد.

إِنَّا لَانَعِدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّىٰ يَكُونَ بِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مَرِيدًا.4

ما انسان را مؤمن نمی دانیم، مگر این که در همه امور، از ما پیروی کند و ما را مراد خود قرار دهد.

نیز آن حضرت، ضمن گفتاری فرمود:

من عرفنا كان مؤمنا، و من أنكرنا كان كافرا، و من لم يعرفنا و لم ينكرنا كان ضالًّا؛5

آن که ما را شناخت، مؤمن است و آن که ما را انکار کرد، کافر است و آن که ما را نشناخت، ولی ما را انکار نکرد، گمراه می باشد.

امام باقر(ع) فرمود:

كلّ من دان الله عزّوجلّ بعبادةٍ يجهد فيها نفسه، و لامام له من الله، فسعيه غيرمقبول، و هو ضالّ متحيّر و الله شانيء لاعماله...؛6

هر که دین داری خداوند متعال به عبادتی کند که خود را برای انجام آن به زحمت اندازد، ولی به امامت امامی که خداوند تعیین نموده، معتقد نباشد، زحمت او در عبادت، قبول نمی شود و گمراه سرگردان است و خداوند با اعمال او مخالف است.

نیز فرمود:

إنّما يعرف الله عزّوجلّ و يعبد من عرف الله و عرف إمامه منّا أهل البيت، و من لا يعرف الله عزّوجلّ و لا يعرف الإمام منّا أهل البيت فإنّما يعرف و يعبد غيرالله هكذا و الله ضالّالاً؛7

تنها آن کس خداوند را می شناسد و پرستش می کند که هم خدا را بشناسد و هم امام خاندان ما را بشناسد. کسی که خدا و امام خاندان ما را نشناسد، غیر خدا را شناخته و عبادت کرده، این گونه (مانند عامه مردم) به خدا گمراه است.

از این گونه روایات فهمیده می شود شیعه باید مجموعه فرهنگ و شیوه زندگی امامان را بشناسد و با اعتقادی صحیح و نیتی خالص به دنبال آن حرکت کند. و اگر نه نام او در فهرست شیعیان امام علی و امامان(ع) ثبت نخواهد شد، چنان که امام باقر(ع)، ضمن گفتاری به جابر جعفی فرمود:

...فو الله ما شيعتنا إلا من اتقى الله و أطاعه؛8

سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و از خدا اطاعت کند.

امام سجاد فرمود:

ألا و إنَّ إبغض النَّاسِ الى الله من يفتدى بسنَّةِ امام و لا يفتدى بأعماله؛9

مبغوض ترین انسان ها در پیشگاه خدا کسی است که امام را مقتدای خود در سنت ها قرار دهد (تنها به اعتقاد اکتفا کند) ولی از رفتار و اعمال امام پیروی نکند.

باید در عمل و رفتار، شیعهٔ امامان باشیم. مولانا در مثنوی می گوید:

نام فروردین نیارد گل به باغ

شب نگردد روشن از اسم چراغ

اسم گفتنی، رو مسمی را بجوی

ماه در بالاست نی در آب جوی

هیچ اسمی بی مسمی دیده ای؟

یا زگاف و لام گل، گل چیده ای؟

تا قیامت عارف ار «می، می» کند

تا ننوشد باده، مستی کی کند؟

3. دو قرن زندگی سیاسی امامان یا گنجینه فضیلت: امامان معصوم از سال یازدهم هجری (سال رحلت پیامبر) تا سال 260 هجرت (سال غیبت حضرت مهدی(ع)) مجموعاً 250 سال امامت کردند، یعنی زندگی سیاسی را سپری کردند. ما باید به جست و جوی رفتار و زوایای زندگی امامان در این سال ها بپردازیم و آن را بررسی کنیم و نحوه زندگی آنان را بشناسیم.

در بررسی شیوه زندگی امامان در 250 سال، گاهی به ظاهر تضادی می بینیم، که در بحث های آینده روشن می شود هیچ گونه تضادی وجود ندارد. به سه نمونه زیر توجه کنید:

الف) بعد از رحلت رسول خدا(ص)، امام علی(ع) را با زور برای بیعت با ابوبکر بردند. او ناگزیر بیعت کرد.

همین زور در مورد امام حسین(ع) بود، ولی حضرت بیعت نکرد و گفت: شهید می شوم، ولی بیعت نمی کنم! این دو برخورد، از دو امام معصوم، به ظاهر، هماهنگ و هم سو نیست.

ب) بعضی از امامان زندگی متوسطی داشتند، ولی بعضی بسیار ساده می زیستند. در یک سو نان و سرکه امام علی را می نگریم، در سوی دیگر غذاهای گوناگون سفره امام رضا(ع) را. این دوگانگی را چگونه بپذیریم؟ باید گفت: اصل در زندگی، ساده زیستی است؛ ولی بر امامی در وضعی خاص لازم بود دارای چنان لباس و چنین خوراکی باشد.

ج) از یک سو، امام علی در تمام عمر، در راه خدا شمشیر زد، از سوی دیگر امام صادق(ع) (در تمام عمر، شمشیر را از غلاف بیرون نیاورد.

حقیقت این است که چون از اسرار این اعمال، مطلع نیستیم، تصور می کنیم تضاد در شیوه زندگی آنان وجود دارد.

برای شناخت صحیح شیوه زندگی امامان، باید به زوایای زندگی شان توجه کرد و آن را از نظر سبک زندگی، ساده زیستی، غذا، مسکن، معاشرت، اخلاق، همسران، فرزندان و ... تجزیه و تحلیل نمود.

نیز شناخت موضع گیری های امامان در برابر قیام های مسلحانه، برخوردهای مختلف آنان با طاغوت های عصر، همچنین گفتار و فرهنگ مکتب آنان در همه زمینه ها، ارزش این فرهنگ، شناخت احادیث ساختگی، اسرائیلیات و تحریف ها، منابع مالی و درآمد امامان، مخارج و بذل و بخشش های آنان را دیگر موضوعات شایسته بررسی است.

شناخت زندگی دوستان و اطرافیان و معاشرین ائمه(ع) و چگونگی تربیت آنان توسط امامان نیز شایسته پژوهش است.

شناخت حالت های اخلاقی، عرفانی و عبادی امامان و شیوه زندگی اجتماعی، سیاسی و برخوردهای آنان آموزنده است.

بعضی از امامان، بذل و بخشش های کلان می کردند، مثلاً به یک شاعر، جایزه کلانی می دادند، ولی بعضی دیگر از دادن یک من جو اضافه بر سهمیه، از بیت المال حتی به نزدیک ترین کسان مثل برادر، دریغ می کردند. باید منابع درآمد اقتصادی امامان روشن شود، تا به دست آید تضادی در میان نیست.

مسائل مبهم دیگری هست که هرکدام، بحث انگیز بوده، در بحث های آینده، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

در بررسی زندگی امامان، در جمع بندی و نتیجه گیری، به دست می آید دو گونه اصول در زندگی آنان نیز وجود داشت؛

نخست: اصول مشترک؛



دوم؛ اصول جداگانه، که هرکدام در اوضاع خاص، آن را انجام می داد، ولی دیگر در وضع دیگر، آن را ترک می کرد .

این مقدمه، پایه بحث های آینده است و ما را آماده می کند دنبال مسائلی را بگیریم و به تجزیه و تحلیل بپردازیم و روش های صحیح و سازنده زندگی امامان را بشناسیم و از آن بهره مند گردیم.

چکیده سخن: ما در جست وجو و بررسی های خود، بر دو اساس پیش می رویم:

اول: اصول مشترک شیوه زندگی امامان؛

دوم: اصول جداگانه امامان.

این بررسی برای دست یابی به درس ها و گنجینه های مهم فرهنگی و سیاسی از مکتب درخشان و ژرف اندیش امامان بزرگوار شیعه بوده، دست آوردهای سازنده ای در اختیار ما می گذارد.